

تاریخ: ۵۸/۴/۱۲

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۱۲ تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسداری از مکتب اسلام با عمل به قوانین و مقررات آن است. من از شما برادران و جوانان عزیز تشکر می‌کنم که در این مدت پاسداری کردید و حفظ امنیت را شما کردید و از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت و عزت شما را خواستارم. لکن نکته‌ای را باید عرض کنم که به سایر پاسدارها هم که با من ملاقات کرده‌اند گفته‌ام و او این است که امروز چشم‌هایی به شما دوخته شده است، به مملکت شما، چشم‌های دشمن‌ها و چشم‌های گستاخ دشمن‌ها می‌خواهند بهانه پیدا کنند و این انقلاب را آلوده کنند. یک وقت هست که یک شخص به عنوان اینکه یک شخص است، یک خلاف می‌کند این خلاف البته صحیح نیست لکن این اسباب این نمی‌شود که یک نهضت آلوده بشود، یک شخص است. یک وقت هست که یک شخصی که منتسب به نهضت است، از نهضت است، مثل شماها که پاسدار نهضت هستید و نگهبان جمهوری اسلامی هستید اگر خدای نخواست از بعضی از شما یک مطلبی صادر بشود، یک عملی انجام بگیرد که این عمل موافق با اسلام نباشد، موجب این بشود که این چشم‌ها که دوخته شده است که اشکال بکند، آنوقت اشکالشان را متوجه به شخص این آدم نکنند که این شخص یک همچو کاری کرده است، اشکال را متوجه بکنند به اسلام و جمهوری اسلامی و نهضت اسلامی که نهضت اسلامی را یک جوری دیگری غیر از آنچه باید باشد نمایش بدهند. این مسوولیتش خیلی زیاد است، مسوولیت اصل کار، همه دارند اگر خلاف بکنند، اما یک مسوولیت‌های شخصی است که بین خودش و خدا تمام می‌شود وقتی توبه بکند، اما یک مسوولیتی است که یک نهضت، اسلام، اینها بسته به آن دارد. اگر چنانچه یکی از شماها امروز که در لباس شریف پاسداری هستید، مثلاً با مردم رفتارش یک رفتاری باشد که مثل رفتاری که سابق اجزاء ساواک مثلاً خدای نخواست داشت، امروز نمی‌گویند که این آقا این کار را کرد، آنهایی که دشمن هستند می‌گویند که خوب ما دیدیم که اینها هم آمدند روی کار و جمهوری اسلامی هم شد و جمهوری اسلامی هم که همان کارهایی که ساواکی‌ها می‌کردند می‌کنند. به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند، به اسلام نسبت می‌دهند. این مسوولیت خیلی مسوولیت بزرگی است که الان به گردن همه ما هست، یعنی من همین مسوولیت را دارم، شما هم همین مسوولیت را دارید. ما باید پاسدار اسلام باشیم که پاسداری از ملت است، یک پاسداری از بازار مسلمان‌ها و خانه‌های مسلمان‌ها و از اشخاصی که

می خواهند شلوغ بکنند و از اینها پاسداری می شود که اینها شلوغکارها را نگذارند شلوغ کنند، دزدها را نگذارند چه بشود، خیانتها را بگیرند. این یک قسم پاسداری است. یک پاسداری هم پاسداری از مکتب اسلام است. این مهم است که پاسداری ماها بکنیم از مکتب اسلام، از جمهوری اسلامی. پاسداری از جمهوری اسلامی، مکتب اسلام این است که ما اعمالمان همانطوری که اسلام مقرر فرموده است باشد. اگر اعمال پاسدارهای جمهوری اسلامی همان اعمال اسلام باشد، موافق رضای خدا باشد، با بندگان خدا رفتارش رفتار برادرانه باشد، حتی آنهایی هم که معصیت کار هستند، پیغمبر اسلام (ص) همانطوری که برای مؤمنین رحمت و دلسوز بود، برای کفار هم بود، دلسوز بود برای کفار یعنی متأثر می شد که این کفار به کفر خودشان باقی باشند و منتهی به آتش جهنم بشوند، برای آنها دلسوزی می کرد، دعوتش برای این بود که نجات بدهد این اشخاص کافر را، آن اشخاص عاصی را. خدای تبارک و تعالی خطاب می فرماید که: «مثل اینکه می خواهی خودت را بکشی برای اینها که اینها ایمان نیاورده اند» همچو متأثر بود که اینها چرا ایمان نمی آورند، اینها چرا نجات پیدا نمی کنند. وقتی یک دسته ای را در یک جنگی در تاریخ هست که بسته بودند آنها را و می آوردند از کفار، می فرمود که ما اینها را باید با زنجیر وارد بهشت کنیم، حالا باید با اینطور بیاوریم و هدایتشان بکنیم. نور هدایت بود، همانطوری که با مؤمنین سر صلح و صفا داشت، با دیگران هم داشت، مگر آنهایی که یک غده سرطانی بودند که باید کنده بشوند، از جامعه باید کنار بروند.

پاسداری از هواهای نفسانی و رفتار دلسوزانه با مردم از اهم تکالیف است. شما آقایان که الان پاسدار انقلاب هستید (یعنی انقلاب اسلامی) همانطوری که از انقلاب پاسداری می کنید، تکلیف بالاتر این است که از اسلام پاسداری بکنید و آن به این است که از خودتان پاسداری کنید، از هواهای نفسانی خودتان، از شهوات خودتان، از میل هائی که میل هائی است که در هر انسان هست و میل شیطانی است، از اینها پاسداری بکنید به طوری که وقتی که شما پاسدارها را مردم می بینند و یا آن چشم هائی که می خواهند یک اشکالی بکنند ببینند، ببینند که شما مردمی هستید که سلامت هستید، در عین حالی که قدرت دارید، در عین حالی که با اشخاصی که فاسدند قدرتمندی هم نشان می دهید لکن با مردم رحیم هستید، با مردم رفیق هستید. رژیم سابق و رژیم های شیطان، اینهایی که مردم را به داغ می کشند، داغ می کردند ملت را، اذیت می کردند، از عاب می کردند با هر طوری بود مردم را می خواستند از خودشان بترسانند، این نکته اثر این بود که خودشان خیانتکار بودند و از مردم می ترسیدند و هر چه زیادتر از عاب می کردند، دلیل بر این بود که زیادتر می ترسند، برای حفظ خودشان چاره نمی دیدند الا اینکه مردم را اذیت کنند و از عاب کنند که مردم بترسند از این و لهذا نمی توانستند اینها چهره خودشان را در جامعه نشان بدهند. این محمدرضا یک وقت توی جامعه نتوانست بیاید، هر وقت اینها می خواستند عبور بکنند از یک خیابانی، این خیابان قرق می شد، اجزاء

تحت نظر می گرفتند و آنها هم که هیاهو می کردند از خودشان بودند نه مردم، مردم که برای اینها هیاهو نمی کردند. تاهمچو نمی شد و همه چیز کنترل نمی شد و تحت نظر و مراقبت قرار نمی گرفت، این جزأت نمی کرد از این خیابان عبور کند، چرا؟ برای اینکه مردم با او خوب نبودند، او از هر فردی می ترسید مبادا یک وقتی یک مثلا تفنگی به او بزنند، یک سنگی به او بزنند. می ترسیدند از مردم. ژاندارمری ما و — عرض بکنم که — ارتش ما و شهربانسی ما همه آنها وضعیتشان اینطوری بود که با مردم از باب اینکه نبودند، مردم را ارباب می کردند برای اینکه کلاه خودشان را حفظ کنند. اسلام اینطور نیست، اسلام سردارهایش هم توی مردم هستند. پیغمبر اسلام (ص)، خوب سردار همه بود، بزرگ همه بود توی مردم بود، با مردم می آمد می نشست، توی مسجد می نشست مثل سایر مردم. حضرت امیر (سلام الله علیه) آنوقت که حکومت یک مملکتی بود که چندین مقابل ایران بود، مصر بود، حجاز بود، عراق بود، ایران بود، سوریه بود — عرض کنم — یمن بود، همه اینها تحت سیطره او بود، مثل سایر مردم می آمد با مردم می نشست، معاشرت می کرد برای اینکه از مردم نمی ترسید، ظلم نکرده بود به مردم تا بترسد، خلافتی نکرده بود که از مردم بترسد، برای مردم بود، مردم او را حامی خودشان می دانستند. مردم شما را باید حامی خودشان بدانند. شما جواری رفتار کنید، که مردم شما را تشخیص بدهند که یک برادرهای دلسوزی هستید برای آنها و برای حمایت آنها شما شبها بیدار هستید و شبها کشته می دهید. اگر خدای نخواسته یک جوانی در بین شما پیدا شد (از باب اینکه جوان است گاهی بی توجه به مسائل است) یک وقت خواست یک کاری بکند که کج رفتاری باشد، با مردم یک خشونتی بخواند به دست بدهد، حالا که یک تفنگی دارد، روی مردم مثلا چه بکند نصیحتش کنید به اینکه اسلام است، دیگر قضیه، قضیه رژیم طاغوت نیست که سربازش با مردم دعوا بکند، سربازش برادر مردم است و برای مردم است. وقتی اینطور شد مردم هم برای شما می شوند. محبت متقابل است، وقتی شما محبت به مردم کردید مردم به شما محبت می کردند. آن روزی که ارتش ایران شمشیر کشیده بود دنبال مردم، مردم هم با تمام قوا با آنها می جنگیدند. آن روزی که ارتش آمد توی مردم و با مردم چیز کرد، گل سرش می ریختند، محبت متقابل است.

### تأکید بر حفظ حیثیت اسلام و جلوگیری از بهانه جوشی دشمنان

الان یک وقتی است که ما احتیاج به این داریم که همه مان رفتارمان، گفتارمان، اعمالمان یک طوری باشد که این دشمن های ما به ما اشکال نکنند که اینها هم همانند، آن روز نمی توانستند، حالا می توانند، آن روز چون آب نبود شنا نمی کردند، حالا آب هست، حالا وقتی که آب هست شناگر قبلی هم هستند. نباید اینطور بشود، ما باید حفظ کنیم خودمان را، حفظ کنیم حیثیت اسلام را، حفظ کنیم حیثیت جمهوری اسلامی را و حفظ کنیم بازار و خیابان و اینها، اینها همیشه کمتر از آن حفظ هائی است که عرض کردم، آنها بسیار مهم است و من دعاگوی همه شما هستم، و خدمتگزار همه شما هستم و از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت، عزت، قدزت شما را می خواهم و انشاء الله امیدوارم که با

همین قدرت پیش بروید و با همین قدرت نهضت را پیش ببرید و اسلام آنطوری که دلخواه همه است  
تحقق پیدا بکند و همه مان انشاء الله مملکت خودمان را، خودمان اداره بکنیم و دست دیگران مقطوع از  
آن باشد و اسلام به آن طوری که هست و به آن طوری که مکتب مرقی است در خارج انشاء الله با کمک  
همه و قدرت شما برادران برومند انشاء الله تحقق پیدا بکند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته